

سرمقاله

اهل معرفت می‌گویند انسان همان‌گونه که چشم «سر» دارد، از چشم «سِر» هم برخوردار است، با چشم ظاهر، ماده را می‌بیند و با چشم باطن، ماده و معنا را می‌نگرد. عرفا این حقیقت را از قرآن مجید آموخته‌اند. در قرآن در مقام سرزنش تکذیب‌کنندگان مقام رسالت آمده است: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (۱)

قلب، مرکز تعقل است و زمانی چشم دل انسان بینایی دارد که تعقل کند. ممکن است فرد یا اجتماع با چشم سر ببیند ولی در اثر غفلت از آیات خداوند از ناحیه چشم دل نابینا

باشد. سایر موجودات از چنین ظرفیت و موقعیتی برخوردار نیستند. اغلب ما تصور می‌کنیم که قلب تنها جای عواطف است، در صورتی که قلب کانون تعقل و تشخیص سره از ناسره است. کوردلان با بینادلان مساوی نیستند. همان‌گونه که تاریکی با روشنایی برابر نمی‌باشد. قرآن مجید می‌فرماید: «... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ...» (۲)

هنر موحدان، دیدن با چشم دل است و نقص اساسی کفار، زندگی در تاریکیها و حرکت با دل بی‌بصیرت می‌باشد. یعنی خردگرایی ربانی ویژگی بارز امت اسلامی و سبک سری و بسنده کردن به عقل مادی و فرومرتبیه از خصائص جامعه مشرک است. امت واحده با تعقل به سمت نور و حق حرکت می‌کند و جامعه مشرک و کافر با باطن کور و چشم دل نابینا به سوی تاریکیها و باطل می‌تازد. امت اسلامی در این پویش به آب و جامعه کافر به کف روی آب می‌رسد. خداوند سبحان می‌فرماید: «... كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبُطْلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (۳)

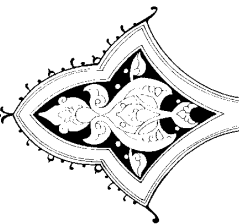
جایگاه عقلانیت در امت واحده

دکتر سید احمد زرهانی



از ولایت الهی و بهره‌مندی از توان تعقل و تفقه و درک آیات و نشانه‌های قدرت پروردگار است. دشمنان انبیاء از نعمت تعقل محروم بوده‌اند، چون از موهبت قلوب کارآمد و زنده بهره‌ای نداشته‌اند. حضرت موسی (ع) به فرعون و پیروان او می‌گوید: «قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا يَبِينُهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (۱۰). از آنچه گذشت، به خوبی روشن می‌شود که یکی از مرزهای بارز کفر و دین و سعادت و شقاوت در دنیا و آخرت برخورداری از قلوب مزین به تعقل، تدبیر، تفکر و تفقه می‌باشد و عدم برخورداری از این موهبت، فرجامی جز نکت و نگون‌بختی در هر دو سرا ندارد. حال باید نگاهی به نیم رخ عقلانی جهان اسلام بیفکنیم و راز کامیابیها و ناکامیهای مسلمانان را دریابیم. بررسی شرایط اقتصادی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان نشان می‌دهد که هنوز آشفته‌گیهای نگران‌کننده‌ای در گستره زندگی اجتماعی مسلمین مشاهده می‌شود. هرچند در پرتو بیداری اسلامی و خیزش علمی و اجتماعی مسلمانان در دهه‌های اخیر نسیم پیشرفت دنوازتر شده است، لیکن تا دستیابی به امت واحده راه ناپیموده زیادی در پیش رو قرار دارد. یکی از ریشه‌های این نابسامانیها دل‌مردگی برخی از مسلمانان است. همان‌طور که حیات طیبیه ما در طول تاریخ برخاسته از حیات قلوب خداشناس و موحد ما بوده است، مهم‌ترین رسالت نظام تعلیم و تربیت در کشورهای اسلامی، سرمایه‌گذاری برای احیای قلوب جوانان مسلمان در کنار آموزش علم و فناوری به آنان است. قلوبی که به کمک آنان حقایق را مشاهده کنند، آیات الهی را ببینند و با تعقل و تفقه در جهان هستی از تاریکیها به سمت روشنائی راه یابند. رویش جوانه‌های تمدن اسلامی در جهان معاصر از تعقل آغاز می‌شود و شاخ و برگ تعقل از مزرعه قلوب سلیم و یکتاپرست برمی‌خیزد و کم‌توجهی به بعد فطری، عقلانی و باطنی انسان خسارت‌بار است. امام علی بن ابی‌طالب (ع) می‌فرماید: «الحمد لله المتجلی لخلقِه بخلقِه و الظاهر لقلوبهم بحجته» یعنی سپاس و ستایش خدا را که با کار آفرینش بر آفریدگانش جلوه‌گر است و با ارائه دلایل خود بر دل‌های آنان آشکار است. (۱۱) این سخن حکیمانه نشان می‌دهد

حق، آب‌گوارای سودمند و پایدار است و باطل، کف ناپایدار و بی‌خاصیت. دل‌های بصیر و بیدار با تعقل و در پرتو آموزه‌های وحیانی به حیات طیبیه و دل‌های کور به سراب می‌رسند و فرجام موحدان و مشرکان باهم تفاوت ماهوی دارد. از این روست که در روز رستاخیز بهترین و سودمندترین سرمایه و ره‌آورد، «قلب سلیم» است؛ قلبی که منور به فروغ یکتا پرستی و مزین به تعقل و تدبیر در آیات الهی و کانون محبت خداست. مشکل بزرگ دور افتادگان از مکتب توحید این است که یارای تشخیص حق از باطل را ندارند و ره‌آورد حق انبیاء را باطل می‌شمارند «وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِبَيِّنَاتٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ» (۴) این بی‌بصیرتی در تشخیص حق از باطل ناشی از مرگ دل‌های کافران و قلوب پی‌تعقل و در پرده فروخته آنان است. «كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (۵) گویی مرگ قلوب مساوی با مرگ انسانیت انسان به‌شمار می‌آید و انسان فاقد تعقل الهی در حد مرده‌ای متحرک محسوب می‌شود. اساساً درک آیات الهی برای صاحبان قلوب زنده و آکنده از نور توحید میسر است و در تحولات طبیعت و بساد و باران و آمد و شد شب و روز و آفرینش انسان و دیگر جنندگان، نشانه‌هایی برای اهل ایمان و یقین و تعقل وجود دارد. «... آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (۶) کفار سرسخت و معاند دچار مرگ قلوب می‌شوند و قدرت فهم حقایق توحیدی و تفقه در قرآن را از دست می‌دهند «وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ...» (۷) قلوبی که مهر می‌خورند و در پرده جهالت و غفلت گرفتار می‌شوند توان تفقه و درک آیات الهی را از دست می‌دهند و پژمرده می‌شوند. صاحبان این قبیل قلوب مرده، نشانی از حیات طیبیه به‌دست نمی‌آورند و از مدار انسانیت خارج می‌گردند و استحقاق خلافت الهی را احراز نمی‌کنند. در روزی که مال و اولاد برای انسان در هنگامه رستاخیز کارایی ندارد تنها کالای نجات‌بخش قلب سلیم است. «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» (۸) «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (۹) سلامت قلب در رستن از کفر و شرک است و برخورداری





نو بزنند. تا قبله قلوب ما غرب است امیدی به کاهش آلام کشورهای اسلامی و دفع متجاوزان از اراضی مسلمین نیست. در بین تعدادی از سران و رجال کشورهای مسلمان، عقل حسابگر دنیوی جانشین عقل معنوی برخاسته از قلب سلیم و روشن از خورشید معرفت الهی شده است و این پدیده، سرچشمه مصائب جهان اسلام و مصدر کج رویهای مسلکی در جهان معاصر است. از این رو نهادهای تربیتی و آموزشی جهان اسلام باید نهضت احیای قلوب راه بیندازند و کودکان و نوجوانان را صاحبدل پرورش دهند و از همان دوران صباوت، قلب آنان را متوجه آیات الله کنند و به آنان بیاموزند که قلب سلیم مرکز محبت، تعقل، تفکر و تدبیر و سرچشمه تصمیمهای بزرگ و آینه جمال و جلال خداوند و سرمایه حیات جاودانی است و گرنه امت اسلامی با مسلمانان متأثر از علوم انسانی غرب و گرفتار سکولاریسم و مردد بین دین و دنیا قوام و انسجام نمی‌گیرد. ما مسلمانان در سراسر جهان نیازمند کمک عالمان و مصلحان خود هستیم تا همچون پیامبران عظام میثاق فطری ما را به یادمان آورند و نعمتهای فراموش شده را به ما متذکر شوند و با استدلال، محبت را بر ما تمام کنند و دفائن عقول ما را برانگیزانند (۱۳) و در نظامهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی و اقتصادی عقل ربانی و معنوی را جایگزین عقل حسابگر دنیوی کنند و با عقل متکی به وحی، دنیا و آخرت امت اسلامی را آباد کنند.

شهود آثار قدرت خداوند و دلایل وجود حق تعالی با قلوب آدمیان امکان پذیر است و سلامت معنوی قلب، پشتوانه‌ای برای خداشناسی و درک تجلیات حضرت رب العالمین است. تا قلب از نعمت تعقل برخوردار نباشد به آیات خدا پی نمی‌برد و ایمان نیارودن به آیات الله مساوی با شقاوت ابدی است. قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۱۲) امروز برخی از کارگزاران جهان اسلام و سیاستمداران کشورهای اسلامی دل به دین خدا نیستند و به ظاهر پیروان دین اسلام‌اند ولی در باطن، دین خدا را نارسا می‌پندارند و سر تعظیم به آستان اندیشه‌های ماتریالیستی و سکولاریستی غرب نهاده‌اند و نسخه‌های تجویز شده نظریه پردازان غربی را نصب العین قرار داده‌اند و بر وفق مسلک و مصلحت آنان عمل می‌کنند و راه به جایی نمی‌برند.

بهره‌گیری از دستاوردهای علمی بشریت کار درستی است اما نسنجیده راه بی‌فرجام غرب را پیمودن با عقل سلیم سازگار نیست. بحرانها و مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری جهان اسلام زمانی حل و فصل می‌شود که مسلمانان بر مدار قرآن و سنت و عترت رسول خدا(ص) حرکت کنند و کرسیهای نظریه‌پردازی با اتکالی به تعالیم و حیاتی راه نشان دهند و تمدن اسلامی نوظهور از بطن قرآن جوانه زند و مسلمین دست از تقلید و محاکات بردارند و روی پای خود بایستند و دست رد به سینه استعمار

پی نوشتها

- | | |
|---------------|---|
| ۱. حج، ۴۶. | ۸. شعراء، ۸۸. |
| ۲. رعد، ۱۶. | ۹. شعراء، ۸۹. |
| ۳. رعد، ۱۷. | ۱۰. شعراء، ۲۸. |
| ۴. روم، ۵۸. | ۱۱. نهج البلاغه، ترجمه حسین استاد ولی، ص ۱۵۵. |
| ۵. روم، ۵۹. | ۱۲. نحل، ۱۰۴. |
| ۶. جاثیه، ۵. | ۱۳. نهج البلاغه، خطبه اول. |
| ۷. اسراء، ۴۶. | |

